

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين

لا سيما مولانا علي بن الحسين سيد الساجدين و زين العابدين

آن کس است این که مکه و بطحا	زمزم و بوقییس و خیف و منا ...
هر یک آمد به قدر او عارف	بر علو مقام او واقف
قره العین سیدالشهداست	غنچه شاخ دوحه زهر است
میوه باغ احمد مختار	لاله راغ حیدر کرار!

(جامی)

«امام علی بن الحسین» علیهما السلام حجت خدا و امام چهارم شیعیان و «صحیفه سجادیه» یادگار ماندگار آن حضرت و این کتاب که در محضر شماس، ترجمه و شرح آن صحیفه مبارک است.

امام علی بن الحسین علیهما السلام

امام علی بن الحسین علیهما السلام مشهور به «سید ساجدان» و «زینت عابدان» به روایت مشهور در سال ۳۸ ه.ق در مدینه متولد شد. آن حضرت در کربلا با پدرش امام حسین علیه السلام بود، اما به علت بیماری از جهاد و شهادت باز ماند و با اسیران به کوفه و دمشق برده شد. ابن زیاد در کوفه تصمیم به قتل آن حضرت گرفت. حضرت زینب علیها السلام دست در گردن حضرت انداخت و فرمود: «به خدا سوگند از او جدا نمی شوم تا اگر او را کشتی، مرا هم با او به قتل برسانی!»^۱. امام علیه السلام نیز خطاب به ابن زیاد فرمود: «آیا نمی دانی که شهادت، عادت و کرامت ماست؟!»^۲.

امام علیه السلام در مسجد جامع دمشق نیز در حضور یزید ستم پیشه به خوبی خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله را به مردم شام که شناخت درستی از اهل بیت علیهم السلام نداشتند، شناساند. یزید از ادامه خطبه آن حضرت جلوگیری کرد و دستور اذان داد. وقتی مؤذن گفت: اشهد ان محمداً رسول الله، امام رو به یزید فرمود: «این محمد، جدّ توست یا جدّ من؟ اگر پنداری

^۱ طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی (ط-الحديثه) (قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۷)، ج ۱، ۴۷۲.

^۲ ابن طاووس، علی بن موسی، اللہوف علی قتلی الطفوف، ترجمه ی فہری زنجانی، احمد (تہران، نشر جهان، ۱۳۸۴)، ۱۶۲.

که جدّ توست، دروغ گفته و کافر گشته‌ای و اگر جدّ من است، پس چرا خاندانش را کشتی؟!^۱. پس از آن بود که یزید از بیم بیداری و آشوب مردم، امام علیه‌السلام و کاروان اسرا را بازگرداند.

امام علیه‌السلام در مدینه نیز تحت نظر و فشار شدیدی بود. در این دوران، جنایت یزید در حمله به مدینه و غارت و تجاوز به نوامیس و کشتار صدها نفر از قریش و انصار و هزاران نفر از مردم و حتی حمله به خانه خدا و آتش زدن کعبه رخ داد. در این دوره قیام‌هایی نیز مانند قیام توابین و قیام مختار واقع شد. اگر چه امام علیه‌السلام برای حفظ اسلام و تشیع از درخیمان اموی و زبیری در این حوادث به طور مستقیم ورود نکرد، اما پرچم روشنگری را فرو ننهاد و از همان هنگام ورود به مدینه پرچم آگاهی را برافراشت و خطاب به مردم فرمود: «ای مردم! اینک کدامیک از شماست که پس از قتل حسین علیه‌السلام شادمانی کند یا کدام قلب است که اندوهگین نشود یا کدام چشم است که اشکش را دریغ دارد؟! ... به خدا سوگند که اگر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله که سفارش ما را به آنان کرد، آنان را به قتال با ما فرا می‌خواند، بیش از آن کارها که با ما کردند، نمی‌کردند!»^۲.

امام علیه‌السلام در آن دوران خفقان با اتخاذ تدابیر و مجاهداتی دوراندیشانه و مداوم، اسلام و تشیع را از مخاطره جدّی نابودی نجات داد و بستر رشد و گسترش آن را به ویژه برای پس از خود فراهم ساخت. گزارش کوتاه برخی از آن تدبیرها و مجاهدت‌ها چنین است:

زننده نگه داشتن قیام و نهضت عاشورا

امام علیه‌السلام از جمله رسالت‌های خود را زننده نگه داشتن قیام و نهضت عاشورا می‌دانست. عاشورا باید زننده می‌ماند تا اسلام راستین زننده می‌ماند. آن حضرت در هر فرصتی در سوگن شهدای کربلا می‌گریست و مردم را از آن آگاه می‌کرد. روزی یکی از خادمانش عرض کرد: ای پسر رسول خدا! آیا وقت آن نرسیده که شما از گریه باز ایستید؟ امام علیه‌السلام فرمود: «وای بر تو! یعقوب پیامبر دوازده پسر داشت و خدا یکی از آنها را از او پنهان داشت. از شدت گریه چشمانش نابینا و پشتش خمیده شد، در حالی که فرزندش زننده بود و اما من پدرم و برادرم و عمویم و هفده تن از خاندانم را کشته در پیرامون خویش دیدم پس چگونه اندوه من به سر آید؟!»^۳.

احیای جایگاه رهبری اهل بیت علیهم‌السلام

امام سجاد علیه‌السلام معرفی و احیای جایگاه اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در ذهن و دل مردم را از جمله مسئولیت‌های خود می‌دانست. آن حضرت به خوبی واقف بود که عامل اصلی مصائب امت اسلامی دوری مردم از اهل بیت علیهم‌السلام

^۱ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم‌السلام (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳)، ج ۴۵، ۱۳۹.

^۲ ابن طاووس، علی بن موسی، اللہوف علی قتلی الطفوف، ۲۰۱.

^۴ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم‌السلام (قم: علامه، ۱۳۷۹)، ۴، ۱۶۶.

است. در آن روزگار سیاه که حتی نامیدن اشخاص به نام علی علیه السلام جرم بود و لعن سید مظلومان امیرمؤمنان علیه السلام رواج داشت، آن حضرت با استناد به قرآن و احادیث نبوی در صدد احیای جایگاه رهبری دینی و سیاسی اهل بیت علیهم السلام برآمد و اندیشه اسلامی شیعی امامت را گسترش داد. از دعا‌های آن حضرت در روز عرفه چنین است: «پروردگارا! بر پاکان اهل بیت او (رسول خدا صلی الله علیه و آله) درود فرست، کسانی که آنها را بر کار خویش برگزیدی و گنجینه داران علم خویش و نگاهبانان دین خویش و جانشینان خویش در زمینت و حجت های خویش بر بندگانت قراردادی و آنان را به خواست خود از پلیدی و آلودگی به تمام و کمال پاک ساختی و آنان را وسیله به سوی خودت و راه به سوی بهشت گردانیدی!»^۱ و در دعای روز جمعه و عید قربان می فرماید: «خدایا! همانا این مقام از آن جانشینان تو و برگزیدگان تو و جایگاههای امینان تو در بلندای مرتبتی است که ویژه آنان ساختی که (ربایندگان) آن را در ربودند ... خدایا! دشمنان‌شان را از نخستینیان و پسینیان ... لعنت کن! خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست!»^۲.

احیای جایگاه معنویت و عبادت و دعا

امام علیه السلام اهتمام زیادی به احیای جایگاه عبادت و معنویت و دعا داشت. مردم دنیا زده شده بودند و هر ذلتی را برای زنده ماندن می پذیرفتند، امام سجاد علیه السلام با دعوت به عبادت و دعا پنجره های حیات معنوی را به روی مردم می گشود و خود چنان مشغول عبادت و دعا می شد که به کلی از دنیا غافل و غرق در معنویت می گشت. امام صادق علیه السلام می فرماید: «از فرزندان و خاندان امیرمؤمنان علیه السلام کسی شبیه تر و نزدیکتر به او جز علی بن الحسین علیهما السلام نبود. ابوجعفر فرزندش (امام باقر علیه السلام) بر او وارد شد و او را در عبادت در چنان مرتبتی دید که هیچ کسی به آن نرسیده است: رنگش از شب زنده داری زرد و دیدگانش از گریه متورم و پیشانی اش از سجده پینه بسته و ساق پاهایش از قیام در نماز ورم کرده! امام باقر علیه السلام گوید: وقتی حضرتش را به این حال دیدم نتوانستم خویشتن داری کنم و دلسوزانه گریستم. پدرم در حال تفکر بود و پس از مدتی که از ورود [و حال] من آگاه شد، فرمود: پسر! برخی از آن صحیفه ها را که عبادت علی علیه السلام در آن نوشته شده است، به من بده. آن را به حضرتش دادم. اندکی از آن را خواند و سپس با حال ناراحتی کنار نهاد و فرمود: چه کسی را طاقت عبادت علی بن ابی طالب است!»^۳.

احیای علمی فرهنگ و آموزه های اهل بیت علیهم السلام

امام علیه السلام برای احیای فرهنگ و تعالیم اهل بیت علیهم السلام از طرق گوناگون همت گماشت و از هیچ کوششی فروگذار نکرد. آن حضرت با تعلیم و تربیت بزرگانی مانند ابو حمزه ثمالی و محمد بن مطعم و یحیی بن ام طویل و ابو خالد کابلی و دیگران که در آغاز امامت حضرت کم شمار بودند و سپس رو به فزونی نهادند و با دعاها و مناجات های خود که

^۱ صحیفه سجاده، دعای ۴۷.

^۲ همان، دعای ۴۸.

^۳ طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - الحدیث)، ج ۱، ۴۸۷.

سرشار از معارف الهی و اخلاقی و اجتماعی و سیاسی بود و با مبارزه فکری با جریان‌های منحرف مانند مشبهه و غلوکنندگان و با انذار مکتوب کسانی از دانشمندان اموی مانند زهری از این که با ستمگران همکاری کنند، به احیای علمی فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام و مبارزه با انحرافات پرداخت. آن حضرت در مسجدالنبی در برابر مشبهه که خدا را به مخلوق مانند می‌کردند، برخاست و فرمود: «معبود من! من از کسانی که تو را با تشبیه می‌جویند بیزارم. چیزی مانند تو نیست»^۱ و در باره غلوکنندگان فرمود: «نه آنان از ما هستند و نه ما از آنان هستیم»^۲ و به زهری در ضمن نامه‌ای سخت هشدار دهنده نوشت «من از آن ترسانم که فردا با گناهت با خیانتکاران باشی و از آنچه در برابر یاری ستمکاران ستاندی بازخواست شوی»^۳.

خدمات گسترده اجتماعی و دستگیری از محرومان و نیازمندان

از جمله فعالیت‌های آن حضرت، فعالیت اجتماعی و دستگیری از نیازمندان و خرید برده‌ها و آموزش دادن و آزاد کردن آنها در راه خدا بود. حضرت با این که نیاز به برده نداشت، آنها را می‌خرید و مدت یک‌سال به طور عملی آنها را تحت تربیت اسلامی خود قرار می‌داد و آن‌گاه پایان ماه رمضان آنها را آزاد می‌کرد. آن حضرت در سفر و حضر به طور ناشناس به کمک همراهان و نیازمندان می‌پرداخت. شب‌ها برای فقرا غذا می‌برد و خانواده‌های بسیاری از نیازمندان را تحت حمایت داشت. سفیان بن عیینه گوید: زهری در یک شب سرد بارانی امام علیه‌السلام را دید که بر پشت خویش انبانی را حمل می‌کند. به حضرت گفت: این چیست؟ فرمود: قصد سفری دارم و برای آن توشه‌ای را به جای امنی می‌برم. گفت: غلام من آن را برای شما حمل کند. امام علیه‌السلام نپذیرفت. گفت: من خودم آن را برای شما می‌برم. فرمود: ولی من خودم را از آنچه در سفر مرا نجات می‌دهد و ورودم را به مقصدم نیکو می‌سازد، معاف نمی‌دارم. پس از تو می‌خواهم که به حق خدا به سوی کار خود روی و مرا تنها بگذاری. زهری باز گشت و پس از چند روز حضرت را دید و گفت: از آن سفری که فرمود، اثری نمی‌بینم. فرمود: «آری، آنچه تو گمان کردی نیست، بلکه سفر مرگ است که برای آن [با کمک به نیازمندان] آماده می‌شوم»^۴. امام علیه‌السلام با مجموعه این فعالیت‌ها بدنه اجتماعی وسیعی از مردم را جذب و دوستدار اهل بیت علیهم‌السلام ساخت.

امام علیه‌السلام صاحب شکوه و جلال معنوی و مورد احترام و محبت مردم بود. وقتی که هشام خلیفه ستمگر اموی به خاطر ازدحام مردم از استلام حجرالاسود بازماند، امام علیه‌السلام طواف را آغاز کرد و وقتی به حجرالاسود رسید، مردم به احترام حضرتش راه را گشودند و حضرت به راحتی حجرالاسود را استلام فرمود. هشام و اطرافیانش از بلندی می‌نگریستند. کسی از شامیان پرسید: او کیست؟ هشام علیرغم آن که حضرت را می‌شناخت گفت: او را نمی‌شناسم! فرزدق شاعر، حاضر بود.

^۱ محمد بن محمد بن نعمان مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد (قم: کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳)، ج ۲، ۱۵۳.

^۲ مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۵، ۲۸۸.

^۳ حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول (قم: مؤسسه انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴)، ۲۷۵.

^۴ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۶، ۶۵.

گفت: اگر تو او را نمی‌شناسی، من او را خوب می‌شناسم و اینک او را معرفی می‌کنم! و آن‌گاه قصیده‌ای بلند و رسا در معرفی و مدح امام علیه‌السلام انشا کرد:

هذا الذى تعرف البطحاء وطأته	والبيت يعرفه والحلّ والحرم ...
آن کس است این که مکّه و بطحا	زمزم و بوقییس و خیف و منا
حرم و حلّ و بیت و رکن و حطیم	ناودان و مقام ابراهیم ..
هر یک آمد به قدر او عارف	بر علوّ مقام او واقف! ...

هشام خشمگین شد. گفت: چرا در باره ما چنین نمی‌سرایی؟ بی‌مهابا گفت: جدّی چون جد او و پدر و مادری چون پدر و مادر او بیاور تا مانند آن را برای تو هم بسرایم! هشام او را در جایی بین مکّه و مدینه حبس نمود و نام او را از دیوان خود حذف کرد. امام علیه‌السلام برایش صله فرستاد و حق دیوانی او را پرداخت.^۱

امام علیه‌السلام به گواهی دوست و دشمن در همه کمالات علمی و اخلاقی و عملی سرآمد عصر خود بود. جاحظ می‌گوید: «در خصوص علی بن الحسین، شیعی را مانند معتزلی و معتزلی را مانند خارجی و خارجی را مانند عامی و عامی را مانند خاصی [هم‌نظر در برتری او] دیدم و هیچ کسی را ندیدم که در تفضیل و تقدّم آن حضرت بر دیگران تردیدی داشته‌باشد!»^۲. مرحوم غروی اصفهانی سروده است:

زیب و زین عالم امکان علی بن الحسین	نور یزدان سید سجاد زین العابدین ...
کنز مخفی بود لیکن شُهره هر شهر شد	تا شود سرّ محبت آشکارا و مبین!

آن امام همام سرانجام پس از ۳۵ سال امامت در سال ۹۵ ه.ق به وسیله ولید بن عبدالملک مسموم شد و به شهادت رسید و در بقیع دفن شد. از امام سجاد علیه‌السلام آثاری مانند صحیفه سجادیه و دعاهایی مانند دعای ابو حمزه ثمالی و دعای خمس عشرات و رساله حقوق و برخی نامه‌ها و صدها روایت به جا مانده است.

^۱ ر.ک: ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، ۱۶۹؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۶، ۱۴۱.

^۲ ر.ک: سید علی خان مدنی شیرازی، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین علیه السلام (قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹)، ج ۱، ۲۱۳.

صحیفه سجادیه

صحیفه سجادیه مجموع پنجاه و چهار دعا از دعا‌های امام سجاد علیه‌السلام است که آن حضرت بر فرزندان خود امام محمد باقر علیه‌السلام و جناب زید املا فرموده است. آشنایی کوتاه با صحیفه سجادیه مستلزم بیان چند مطلب است:

اسناد و اعتبار صحیفه سجادیه

صحیفه سجادیه در اصل مشتمل بر هفتاد و پنج دعا بوده که امام سجاد علیه‌السلام آنها را بر فرزندان خود امام محمد باقر علیه‌السلام و جناب زید املا فرموده و سپس نزد فرزندان آنها امام صادق علیه‌السلام و یحیی بن زید قرار گرفته است. یحیی بن زید وقتی از متوکل بن هارون خبر شهادت خود را که امام صادق علیه‌السلام از آن خبر داده بود شنید، صحیفه نزد خود را به امانت به او سپرد تا به دست بنی امیه نیفتد و به دست پسر عموهایش محمد و ابراهیم از نوادگان امام حسن مجتبی علیه‌السلام برساند. متوکل بن هارون پس از شهادت زید خدمت امام صادق علیه‌السلام رسید و ماجرای یحیی را نقل و صحیفه امانتی را به حضرتش ارایه کرد. در این هنگام حضرت از فرزندش اسماعیل خواست تا نسخه صحیفه به کتابت امام باقر علیه‌السلام را به او بدهد. حضرت صحیفه را گرفت و بوسید و بر دیدگانش نهاد و فرمود: «این خط پدرم و دعای جدم علیهما‌السلام است». متوکل از حضرت اجازه مقابله آن دو نسخه را گرفت و هیچ تفاوتی میان آنها نیافت. امام علیه‌السلام محمد و ابراهیم را فراخواند و صحیفه زید و یحیی را به شرط آن که از مدینه بیرون نبرند تا مبادا به دست بنی امیه بیفتد، تسلیم ایشان کرد. زیرا حضرتش از شهادت آنان آگاه بود و آنان را نیز از شهادتشان با خبر ساخت. متوکل بن هارون می‌گوید: سپس امام صادق علیه‌السلام دعاها را که هفتاد و پنج باب بود بر من املا فرمود و من موفق به حفظ یازده باب آن نشدم و شصت و چند باب آن را حفظ کردم.^۱ در گذر زمان نیز ده دعا از آن کاسته و پنجاه و چهار دعای آن به ما رسیده است. پی‌جویی عالمان برای دستیابی به دعا‌های دیگر، موجب گردآوری صحیفه‌ها و مستدرکات و ملحقاتی از دعا‌های دیگر آن حضرت شده است.^۲

صحیفه سجادیه از آغاز به صورت کتاب تدوین شده و نخست خود اهل بیت علیهم‌السلام در حفظ آن کوشا بوده و سپس به وسیله عالمان نسل به نسل کتابت و نسخه‌برداری و اجازه نقل داده شده و حفظ گردیده است. میر داماد طرق و اسانید صحیفه کریمه سجادیه را متواتر بر شمرده^۳ و علامه مجلسی آورده که آنچه او از دیگر اسناد صحیفه دیده، بیش از آن است که احصا شود. او صحیفه را از نظر اسناد مانند قرآن از طرق شیعه و زیدیه متواتر دانسته است.^۴ آقا بزرگ تهرانی نیز بر آن است

^۱ ر.ک: مقدمه الصحیفه السجادیه (قم: الهادی، ۱۳۷۶).

^۲ ر.ک: آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه (اسماعیلیان قم و کتابخانه اسلامی تهران، ۱۴۰۸)، ج ۱۵، ۱۹؛ جمعی از نویسندگان، دانشنامه صحیفه سجادیه (تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۹۹)، ۳۹۹.

^۳ محمد باقر میر داماد، شرح الصحیفه الکامله السجادیه (قم: مرکز ولی‌العصر العالی و مؤسسه ربيع القلوب، ۱۳۸۰)، ۵۶.

^۴ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۷، ۶۱-۵۹.

که اجازه و روایت صحیفه در هر طبقه و عصر چنان است که آن را نزد اصحاب از متواترات ساخته و سند آن به امام باقر علیه السلام و زید شهید از امام علی بن الحسین منتهی می شود.^۱ بزرگانی نیز از عالمان شیعه و سنی مانند شیخ مفید در الارشاد^۲ و شیخ حر عاملی در کتاب هدایه الامه الی احکام الأئمه^۳ و ابن شهر آشوب در کتاب مناقب آل ابی طالب^۴ و قندوزی در ینابیع الموده^۵ و ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه^۶ و بسیاری دیگر از عالمان از ادعیه به جا مانده از آن حضرت و صحیفه سجاده یاد کرده و آن را معتبر شمرده و گاه برخی دعاها را ذکر کرده اند.

از سوی دیگر عواملی مانند «فصاحت و بلاغت بی مثال» و «علو و گستردگی معانی» و «شهرت انتساب صحیفه در طول تاریخ به امام سجاد علیه السلام» و «اقبال عمومی عالمان بزرگ به آن و نگارش تعلیقه و حاشیه و شرح بر آن»، جایی برای کمترین تردید در صحت صدور آن از معصوم علیه السلام باقی نمی گذارد. مجلسی می گوید: صحیفه از جهت عبارت مانند قرآن در نهایت فصاحت است و از جهت احاطه به علوم الهی نیز برای کسی که اندک معرفت به علوم داشته باشد، آشکار است.^۷ سید محسن امین می گوید: بلاغت الفاظ صحیفه برای صحت انتساب آن، علاوه بر صحت اسانید و شهرت عظیمش، کافی است.^۸ محمد جواد مغنیه نیز به زیبایی، تمام سخن را در باره صحیفه گفته است: صحیفه خودش بر خودش گواه است!^۹ آفتاب آمد دلیل آفتاب!

اوصاف ممتاز زبانی و معانی و بلاغی صحیفه سجاده

هویت زبانی صحیفه سجاده زبان دعا است و زبان دعا تجلی گر عالی ترین مقام بندگی و ناب ترین مرتبه عشق و شیدایی و خاص ترین هنگامه بیم و پروایی و فراخ ترین فرصت نطق و گویایی در خواندن خدا و راز و ناز عاشقانه با معبود محبوب یگانه و عرصه عرضه درخواست های نیازمندان به درگاه بی نیاز توانای بخشنده است. بر این پایه دعا در بخش راز و ناز عاشقانه اش ظرفی برای شرح و مدح اوصاف و افعال الهی و در بخش درخواست ها و نیازهایش ظرفی برای شرح آرزوها و خواست های بنده است. اینک اگر آن بنده دعا پیشه، امام معصوم علی بن الحسین علیهما السلام حجت خدا و پیشوای عارفان در کشف و شهود و پیشرو حکیمان در حکمت و معرفت و پیشواز نیازمندان در تمنای خدا و نیک بختی هر دو سرا و راهبر

^۱ آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۵، ۱۸.

^۲ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ۱۵۳.

^۳ حر عاملی، محمد بن حسن، هدایه الامه الی الاحکام الأئمه علیهم السلام (مشهد: آستانه الرضویه المقدسه مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۴)، ج ۸، ۵۴۹.

^۴ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، ۱۳۷ و ۱۵۲.

^۵ قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده لدوی القربی (دار الاسوه للطباعه و النشر، بی تا)، ج ۳، ۴۳۰-۴۱۱.

^۶ عبد الحمید بن هبه الله ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه (قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴)، ج ۶، ۱۸۶-۱۷۸.

^۷ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۷، ۵۹.

^۸ عاملی، سید محسن امین، کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبد الوهاب (قم: مکتبه الحرمین، بی تا)، ۲۶۰.

^۹ مغنیه، محمد جواد، مقدمه فی ظلال الصحیفه السجاده (بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۳۹۹).

خلق به سعادت و کمال و ولیّ خدا در تدبیر امور اجتماعی و سیاسی امت باشد و دعا برای حضرتش ظرفی برای ایفای رسالت امامت در آن دوران بیداد و ستم شود، آن گاه این دعاها همه این ساحت‌های پیش گفته را به کمال در بر خواهد داشت.

از این رو صحیفه سجادیه از نظر محتوا و معانی، سرشار از گوهرهای عرفان و حکمت در قلمرو مبدء و معاد و هستی و انسان شناسی و دُرهای کمال و فضیلت در قلمرو اخلاق و رفتار و کردار شناختی و نورهای هدایت در قلمرو راه و راهنما شناسی و توبه و استغفار و مبارزه با شیطان و رویارویی با مشکلات و ایصال خلق به خدا و رهبری و مدیریت جامعه و ترسیم مناسبات عادلانه و تبیین حقوق و تکالیف متقابل خانوادگی و اجتماعی و بین‌المللی از همکیشان تا هموعان و از دوستان تا دشمنان و از ستمدیدگان تا ستمگران و دیگر گروه‌ها و معارف بسیار دیگر در حوزه‌های گوناگون حیات الهی انسان و جامعه است. مروری بر عناوین دعاها گواه بر این جامعیت است. مضامین کلی دعاها نیز بنابر موضوع بندی برخی بزرگان شامل نوزده باب اصلی توحید، نبوت، امامت، معاد، اسلام، ملائکه، اخلاق، طاعات، ذکر و دعا، سیاست، اقتصاد، انسان، آفرینش، اجتماع، علم، زمان، تاریخ، صحت [و بیماری] و [جهاد و] قوای نظامی با قریب دویست عنوان فرعی ذیل آنها است.^۱ ملاحظه می‌شود شود که «ذکر و دعا» تنها یکی از موضوعات این کتاب دعا است!

صحیفه سجادیه از نظر زیبایی‌های بیانی نیز از فصاحت و بلاغتی بی مثال، خوش آهنگ و نیکو گفتار و مسجع و حلاوت‌بار برخوردار است که تا اعماق دل آماده نفوذ می‌کند و خرد را مبهوت می‌سازد و احساس پاک را برمی‌انگیزاند و اعضا و جوارح را به لرزه می‌افکند و دیدگان را اشکبار می‌نماید و زبان را به اعتراف و ناله و شیون بلند می‌سازد و با زبان دعا آن می‌کند که نهج البلاغه با زبان وعظ و خطابه کرده است! این، از آن رو است که سید ساجدان از خاندان امیرمؤمنان علیه‌السلام است که سلطان سخن و فرمانروای کلام‌اند: (وَ إِنَّا لَأَمْرَاءُ الْكَلَامِ وَ فِينَا تَنْشَبَتْ عُرُوفُهُ وَ عَلَيْنَا تَهَدَّلَتْ غُصُونُهُ) «ما امیران گفتاریم. سخن - به تعلیم ما - ریشه دوانیده و شاخه‌های خود را بر سر ما تنیده!»^۲. البته سرچشمه اصلی همه این آبشارهای زیبایی معنوی و لفظی و تأثیر گذار نهج البلاغه و صحیفه سجادیه، وحی قرآنی (و احادیث نبوی) است که: (لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ) «اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم، می‌دیدیم که در برابر آن خاشع می‌شود و از خوف خدا می‌شکافد!»^۳.

از این رو صحیفه سجادیه آکنده و لبریز از حقایق و معارف و حیانی به طور عام و اقتباس و اشارات بسیار به آیات قرآنی به طور خاص و در واقع شرح و تفسیری بر قرآن بر پایه علم لدنی است که به خاندان نبوت بخشیده شده است. امام سجاد علیه‌السلام در دعای ختم قرآن تصریح می‌فرماید که «قلوب آنان حامل قرآن و علم تفسیر میراث ویژه ایشان است»^۴.

^۱ ر.ک: المظفر، محمد حسین، الدلیل الی موضوعات الصحیفه السجادیه (قم، مؤسسه النشر الاسلامی لجماعه المدرسین، ۱۴۰۳ق).

^۲ سید جعفر شهیدی، مترجم، نهج البلاغه (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸)، خطبه ۲۳۳.

^۳ حشر: ۲۱.

^۴ صحیفه سجادیه، دعای ۴۲.

همچنین صحیفه سجاده به طور خاص عطر آگین از صلوات‌های بسیار است. چهل و شش دعا از پنجاه و چهار دعای صحیفه مزین به حدود دویست صلوات است.^۱ صلوات در صحیفه به صورت صحیح با ذکر «آل محمد» همان گونه که پیامبر صلی - الله علیه و آله به آن فرمان داده بود، بیان شده که احیاگر نام و یاد اهل بیت علیهم السلام و نافی آل‌های دیگر چون امیه و مروان و دیگر معاندان و دشمنان غاصب است. صلوات فی نفسه نیز دارای برکات بسیار در دنیا و آخرت و موجب اجابت دعا است.

برخی دعا‌های صحیفه مانند ستایش خدا و صلوات بر رسول خدا و خاندانش علیهم السلام اختصاص به زمان و حال خاصی ندارد و برخی دعاها مانند دعای نماز شب (در هر شب) و دعای صبح و شام (در هر روز) و دعای دیدن هلال (در هر ماه) و دعای ورود و وداع رمضان و فطر و عرفه (در طی هر سال) و دعای ختم قرآن (در هنگام ختم آن) ناظر به زمان و برخی دعاها مانند دعا در هنگام بیماری و طلب باران و رفع گرفتاری و دفع مکر دشمنان و شنیدن رعد و یاد مرگ ناظر به حال و شرایط خاص است. هم چنین برخی دعا‌های صحیفه در باره خود حضرت و نزدیکانش و برخی دعاها در باره دیگران مانند فرزندان و والدین و دوستان و همسایگان و مرزبانان و بسیاری از مضامین دعاها ناظر به عموم است. به این ترتیب صحیفه سجاده فراخور همه اوقات و احوال و همه افراد است.^۲

صحیفه سجاده با چنین اوصافی ظرفیت بزرگ دعا را به خوبی و به تفصیل در قلمرو اندیشه اسلامی و شیعی از نظر ژرفای طرح معانی عالی الهی و از نظر شمول گسترده آن بر همه ابعاد حیات انسانی و از نظر راهنمایی و راهبری معنوی انسان تا قرب خدا و دستیابی به نیک‌بختی در هر دو سرا و از نظر قدرت جذب همه ساحت‌های دل و ذهن و احساس و خلق و کردار آدمی و از نظر کاربرد دعا در قلمروهای سیاسی و اجتماعی به مثابه رسانه‌ای رسانا نشان داده و معنایی نو از عمق مفهوم و وسعت مضمون و قدرت کارکرد دعا آفریده و شیعیان و مسلمانان به ویژه عالمان و رهبران اسلامی را از این قدرت و ظرفیت نهفته در دعا آگاه ساخته و راه و رسم دعا کردن را به آنان آموخته است. صحیفه سجاده زیباترین و کامل‌ترین پاسخ بنده به فراخوان خداست که: (ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ) (غافر: ۶۰) «مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم!».

اعتراف عالمان و ادیبان در باره صحیفه سجاده

عالم بزرگوار محمد تقی مجلسی (پدر محمد باقر صاحب بحار الانوار) با بیان این حقیقت که صحیفه سجاده از الهامات الهی بر قلب و زبان امام سجاد علیه السلام است، می‌گوید: ظاهر آن است که آن کلام از الهام خدای متعال بر قلب و زبان ایشان است و در امکان چنین چیزی بنا بر اخبار متواتر تردیدی نیست. از آن‌رو که هر کس در دنیا زهد بورزد یا عبادت را برای خدا خالص گرداند، خدا چشمه‌های حکمت را از قلبش بر زبانش می‌گشاید یا جاری می‌سازد^۳ و این مرتبت مادون مقام امامان علیهم السلام است همان گونه که عامه اعتراف می‌کنند ... و اما از نظر اخبار بسیار و صحیح از هر دو جانب

^۱ جمعی از نویسندگان، دانشنامه صحیفه سجاده، ۳۲۰.

^۲ ر.ک: مقدمه استاد مشکوة بر صحیفه کامله سجاده، ترجمه بلاغی، صدرالدین، (تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵) ص پانزده.

^۳ حدیث نبوی: مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا ظَهَرَتْ يَتَابِعُ الْحِكْمَةُ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ (بحار الانوار، ج ۵۳، ۳۲۶).

شیعه و سنی است که (خدا می‌فرماید:) بنده پیوسته با نوافل به من نزدیک می‌شود تا آنجا که او را دوست خواهم داشت و وقتی او را دوست داشته‌باشم، گوش و چشم و دست و زبانش می‌شوم^۱، پس چگونه بعید است که خدای متعال بر زبان سید عارفان و زاهدان و عابدان سخن رانده باشد؟! این بر مبنای فهم عامه (اهل سنت)، و اما بر مبنای خاصه، خلافتی در این نیست و اخبار ما بر آن متواتر است و از همین‌رو صحیفه به انجیل اهل بیت و زبور آل محمد نامیده شده است، همان‌طور که انجیل بر زبان عیسی بن مریم علیهما السلام و زبور بر زبان داوود علیه السلام جاری شده است^۲.

سید علی‌خان شارح سخن شناس و بزرگ صحیفه سجاده می‌گوید: «بر این صحیفه شریفه پرتوی از علم الهی و عطری از سخن نبوی است، و چگونه چنین نباشد و حال آن که این صحیفه شعله‌ای از نور چراغدان رسالت و رایحه‌ای از عطر باغ امامت است تا آنجا که برخی عارفان گفته‌اند: صحیفه سجاده جاری در همان مجرای کتاب‌های آسمانی و ساری در همان مسیر صحیفه‌های لوح [الهی] و عرشی است و [از همین‌رو] عالمان و عارفان از سلف صالح آن را به زبور آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و انجیل اهل بیت علیهم السلام ملقب ساخته‌اند ... و اما بلاغت بیان و فصاحت تبیان آن چنان است که ساحران سخن در برابر آن سر به سجده می‌برند و بزرگان نام‌آور به ناتوانی اقرار می‌کنند»^۳.

میرزا حبیب‌الله خویی شارح نهج البلاغه در ترسیم ناتوانی عالمان و ادیبان در هم‌وردی با صحیفه سجاده به تجربه تاریخی اشاره کرده و می‌گوید: «آیا احدی از علمای متبحر در فنون گوناگون را دیده‌ای که در ادای آن معانی بلند در قالب آن عبارات کوتاه و زیبا، پا جای پای حضرتش نهد و آیا در پیشینیان ما کسی را جز آل البیت می‌یابی که حقایق معانی را بر این سبک و اسلوب با الفاظ بیارایند؟! سوگند به جانم که برایم ارزشمند است، اگر عبدالحمید [خطیب نام‌آور عرب] باز آید و ابن العمید [کاتب و ادیب بزرگ] مددکار او شود تا مانند دعایی از صحیفه آورد، خواهی دید که جز خودش را نکوهش ننماید و جز بازگشت به آرامگاهش را نخواهد»^۴.

ابن طاووس عارف فقیه و ادیب در باره بلاغت صحیفه و جامعیت دایرة المعارفی آن می‌گوید: «صحیفه سجاده انشاء علی بن الحسین علیهما السلام از آثار مهم دعایی است که بیان از وصف و ستایش آن ناتوان است و به حق دایرة المعارف علمی

^۱ حدیث نبوی: وَ إِنَّهُ لَيَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّافِلَةِ حَتَّى أُحِبَّهُ؛ فَإِذَا أَحَبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَ بَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ، وَ لِسَانَهُ الَّذِي يُنْطِقُ بِهِ (الكافی، ط - دارالحدیث، ج ۴، ۷۲ و با اندکی اختلاف صحیح البخاری، ج ۱۰، ۱۶۴).

^۲ مجلسی، محمد تقی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط - القادیمه) (قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ۱۴۰۶ق)، ج ۱۴، ۴۱۹.

^۳ مدنی شیرازی، ریاض السالکین، ج ۱، ۵۱.

^۴ خویی، میرزا حبیب الله، منهاج البراءة فی شرح نهج البلاغه، چهارم (تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۰)، ج ۱۶، ۱۱۶.

گرافندری است که نه تنها از نظر فصاحت و معانی سرآمد است که جنبه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی و اقتصادی را با فلسفه دعایی درنور دیده و به اخت القرآن و زبور آل محمد و انجیل اهل بیت نامبردار است»^۱.

امام خمینی نادره جامع عرفان و حکمت و فقه و سیاست، صحیفه سجادیه را قرآن صاعد خوانده و می‌گوید: «صحیفه کامله سجادیه، نمونه کامل قرآن صاعد است و از بزرگترین مناجات عرفانی در خلوتگاه انس است که دست ما کوتاه از نیل به برکات آن است»^۲ و در باره جامعیت صحیفه می‌گوید: «شما ادعیه حضرت سجاد را می‌بینید، دعاست ... هم معنویات هست، هم قضیه حکومت هست، همه چیز هست، هم از بین بردن حکومت ظلم است، چنانچه سیره همه ائمه - علیهم السلام - بر این بوده»^۳.

ایشان در باره هدف عالی و نهایی از ادعیه به ویژه صحیفه سجادیه که باید نصب‌العین همگان در خواندن دعا باشد، می‌گوید: «شما اگر ادعیه امام سجاد و سایر ائمه را ملاحظه بفرمایید مشحون است از این که مردم را بسازند، برای یک امر بالاتر از آن چیزی که مردم عادی تصور می‌کنند. دعوت به توحید، دعوت به تهذیب نفس، دعوت به اعراض از دنیا، دعوت به خلوت با خدای تبارک و تعالی، معنی‌اش این نبوده است که مردم توی خانه‌هایشان بنشینند و از مصالح مسلمین غفلت کنند و مشغول ذکر و دعا باشند. چنانچه خود آنها که ملاحظه می‌کنید، این طور نبودند»^۴ و «امام سجاد است که مناجات‌هایش را شما می‌بینید و می‌بینید چطور از معاصی می‌ترسد، مسئله، مسئله بزرگتر از این مسائلی است که ما فکر می‌کنیم. مسئله غیر از این مسائلی است که در فکر ما یا در عقل عقلا یا در عرفان عرفا بیاید. مسئله‌ای است که اولیا می‌دانند چی است قضیه. آنها فهمیده‌اند تا آن اندازه‌ای که بشر باید بفهمد که قضیه چه بزرگ است و در مقابل چه عظمتی ما هستیم و سر و کار ما با کیست. اینها به ما تعلیم می‌دهند، و این طور نیست که دعا برای تعلیم ما باشد. دعا برای خودشان بوده است؛ خودشان می‌ترسیدند، از گناهان خودشان گریه می‌کردند تا صبح. از پیغمبر گرفته تا امام عصر - سلام الله علیه - همه از گناه می‌ترسیدند. گناه آنها غیر اینی است که من و شما داریم. آنها یک عظمتی را ادراک می‌کردند که توجه به کثرت، از گناهان کبیره است پیش آنها. حضرت سجاد در یک شبش - به حسب آن چیزی که وارد شده - تا صبح گفت: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجَافِي عَنْ الدُّرُورِ وَالْإِنَابَةَ إِلَى دَارِ السُّرُورِ وَالْإِسْتِعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ». مسئله، مسئله بزرگی است. آنها در مقابل عظمت خدا، وقتی که خودشان را حساب می‌کنند، و می‌بینند که هیچ نیستند و هیچ ندارند. واقع مطلب همین است»^۵.

ابن جوزی دانشمند بزرگ اهل سنت به نقش و حق صحیفه سجادیه در تعلیم راه و رسم دعا و سخن گفتن با خدا بر مسلمانان پرداخته و از او نقل شده است که: «علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام حق تعلیم در املاء و انشاء و کیفیت سخن گفتن

^۱ ابن طاووس، علی بن موسی، فتح‌الابواب بین ذوی‌الالباب و بین رب‌الارباب (قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹)، ۷۶.

^۲ امام خمینی، روح‌الله، صحیفه امام (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، بی‌تا)، ج ۲۱، ۲۰۹.

^۳ همان، ج ۲۱، ۶.

^۴ همان، ج ۱۸، ۴۲۲.

^۵ همان، ج ۲۰، ۲۶۸.

با خدا و عرض حاجت بردن به آن درگاه را دارد و اگر حضرتش نمی‌بود، مسلمانان چگونه سخن گفتن با خدای سبحان را در حاجاتشان نمی‌دانستند. امام علیه‌السلام به آنان آموخت که هنگام استغفارخواهی چنین بگو و به وقت طلب باران یا بیم از دشمن و در هنگامه‌های دیگر چنین بگو.^۱

طنطاوی دانشمند اهل سنت دانشگاه الازهر نیز در باره جایگاه بلند صحیفه سجادیه و احساس خود در واقف نبودن به آن می‌گوید: «این از بدبختی است که ما تا کنون بر این اثر گرانبهای جاوید از میراث‌های نبوت و اهل بیت دست نیافته بودیم و من هر چه در آن می‌نگرم، آن را فوق کلام مخلوق و دون کلام خالق می‌یابم!»^۲

صحیفه سجادیه را صحیفه «کامله» خوانده‌اند. آیه‌الله مرعشی نجفی می‌گوید: «فلسفه آن که صحیفه را «کامله» نامیده‌اند - بنا بر آنچه من از سید جمال‌الدین کوکبانی یمنی شنیدم - آن است که نزد زیدیه از صحیفه نسخه‌ای هست ولی کامل نیست و در حدود نصف این صحیفه است و از این جهت این صحیفه را کامله نامیده‌اند»^۳. اما ممکن است نامبرداری صحیفه به کامله از جهت گستره آن دعاها در باره همه ساحت‌های حیات الهی انسان و جامعه باشد. زیرا از این دعا از آغاز و در لسان امام صادق علیه‌السلام به عنوان «الصحیفه الکامله» یاد شده است.^۴

ترجمه و شرح صحیفه سجادیه

صحیفه سجادیه بسان قرآن و نهج‌البلاغه، همواره سزاوار شرح عالمانه و در خور زمانه است. این مهم از دیر باز تا کنون به دست بزرگانی از عالمان رضوان‌الله تعالی علیهم تحقیق یافته و شرح‌های گرانسنگی از ایشان به جا مانده و تشنگان معرفت را سیراب نموده است. این شرح‌ها بیشتر به زبان عربی است. در دهه‌های اخیر به همت برخی علما و فضلا ترجمه‌های متعدد و نیز تک شرح‌هایی بر برخی دعاها و یا شرح‌هایی بر چند دعا، و اندک‌شمار شرح‌های کاملی از همه دعا‌های صحیفه سجادیه به زبان فارسی منتشر شده است که هریک سهم ویژه‌ای در نشر و گسترش این صحیفه مبارک ایفا کرده‌اند.

اینک نگارنده خدای بزرگ را سپاسگزار است که توفیق نگارش شرحی نو بر صحیفه سجادیه را طی پنج سال متوالی - و سپس بازبینی و اصلاحات تکمیلی آن را قبل از نشر آن - به او ارزانی فرمود تا گامی در راستای نشر معارف اهل بیت علیهم‌السلام بردارد و شرحی حتی‌الامکان با جمع اوصاف زیر که آن را از شرح‌های دیگر متفاوت و یا احیاناً ممتاز می‌سازد و چه بسا ضرورت آن را نیز آشکار می‌نماید، به دوستان و پیروان اهل بیت علیهم‌السلام تقدیم نماید. این اوصاف عبارتند از:

^۱ خویی، میرزا حبیب‌الله، منهاج البراءة فی شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ۱۶۶.

^۲ مقدمه و استدراک آیه‌الله مرعشی نجفی بر صحیفه کامله سجادیه، ترجمه بلاغی، صدرالدین، ص سی.

^۳ همان، ص سی و یک.

^۴ ر.ک: مقدمه (در بیان سند) صحیفه سجادیه.

یک: نگارش مقدمه‌ای قبل از شرح هر دعا که نخست، مشتمل برارایه تبیینی نظام‌مند از موضوع دعای پیش‌رو و بیان جایگاه و اهمیت آن موضوع است و مدخلی برای ورود خواننده به دعا و آماده‌تر ساختن او برای فهم بهتر دعا به شمار می‌آید، و دوم مشتمل بر مروری کوتاه بر دعای امام علیه‌السلام است که خواننده را نسبت به اصلی‌ترین سرفصل‌های آن دعا آشنا می‌سازد. تعداد صلوات‌های امام علیه‌السلام در هریک از دعاها نیز در همین قسمت آمده است. به عنوان نمونه در مقدمه نیایش اول که دعای امام علیه‌السلام «در هنگام آغاز دعا است و با حمد و ثنای خدا آغاز می‌شود»، به تعریفی از «حمد و خواندن دعا و اهمیت بنیادین آن» و سپس به «ادب دعا و حمد خدا» با استناد به آیات و روایات پرداخته شده و سپس طی مروری کوتاه بر دعا به سرفصل‌های اصلی آن مانند بر شمردن برخی اسماء و اوصاف نیک الهی و اهمیت حمد الهی در تحقق هویت انسانی انسان و امتیاز او از حیوان و شکر حضرت بر نعمت الهام حمد و ویژگی‌ها و آثار دنیوی و اخروی حمد و درخواست حضرت به حمدش برای قرار گرفتن در زمره نیکبختان و شهیدان اشاره شده و ترسیمی کلی از دعا را به خواننده ارایه کرده است. همچنین در مقدمه نیایش سوم که دعای امام علیه‌السلام در باره «درود بر حاملان عرش و فرشتگان مقرب» است، به تعریفی از «جهان غیب و شهادت»، «راه شناخت جهان غیب»، «ملائکه و نقش آنها در جهان» و «کلیات آگاهی‌های وحیانی قرآن در باره ملائکه» پرداخته شده و سپس با مروری کوتاه بر دعای امام علیه‌السلام به عناوین اصلی دعا از اوصاف فرشتگان و ذکر برخی از فرشتگان مانند جبرائیل و اسرافیل و گروه‌هایی از فرشتگان مانند فرشتگان حاملان عرش و فرشتگان باران و باد و نویسنده اعمال و مرگ و قبر و دوزخ و بهشت و درود بر آنها اشاره شده است. در مقدمه دعای بلند بیستم نیز که دعای حضرت در باره «خوهای ستوده و کارهای پسندیده» است و به «مکارم‌الاخلاق» نامبردار است، به «چیستی اخلاق و تفاوت محاسن اخلاقی با مکارم اخلاقی» و «مبانی اخلاق و روش‌های تربیتی» و «جایگاه اخلاق و مکارم اخلاقی در اسلام» و «پیشوایان معصوم الگوهای عملی مکارم اخلاقی» پرداخته شده و سپس سرفصل‌های دعای حضرت ذکر شده است. به این ترتیب بسیاری از این مقدمه‌ها علاوه بر آن که مدخلی برای ورود به دعاست، در موضوع خود یک مقاله مستقل کوتاه نیز به شمار می‌آید. این قالب در تمام پنجاه و چهار دعای حضرت با گستره‌ای از موضوعات مختلف مورد توجه بوده است.

دو: اتخاذ رویکرد کلی در شرح دعاها بر دو حوزه «معرفت افزایی فکری و عقیدتی» با ابتنا بر قرآن و برهان و اشارات عرفانی که موجب تحکیم عقلی و قلبی باورهای دینی می‌شود و حوزه «راهکارهای کاربردی» که روش تخلق به اوصاف مذکور در دعا را می‌آموزد. روشن است که ایمان و عمل هر یک بدون دیگری چندان کارساز و نجات‌بخش نیست و عمل ایمانی جز از باور ایمانی بر نمی‌خیزد. از این‌رو نگاه نگارنده در شرح، نخست معطوف به تحکیم باورهای دینی و سپس به راهکارهای کاربردی آن بوده است.

سه: نگاه مستقل به هر دعا به گونه‌ای که شرح هر دعا، بی‌نیاز از ارجاع به شرح‌دعاهای دیگر است. این امر از آن‌رو اهمیت دارد که بیشتر خوانندگان بنا بر مقتضیات و حال و نیاز خود با انتخاب دعا و یا دعاهایی خاص به مطالعه شرح

آنها می‌پردازند و در این حال ارجاع دادن خواننده به قسمت‌های دیگر شرح برای او خوشایند نیست و کمال استفاده او را از بین می‌برد.

چهار: جامع بودن این شرح از طریق رجوع نگارنده در شرح هر یک از فراز دعاها به بسیاری از شرح‌های عربی و فارسی قبل و استفاده از نکات نو و مهم و مفید هر یک و ارجاع به آنها. برخی از این شرح‌ها عبارتند از: شرح *الصحیفه الکامله السجادیه* (سید محمد باقر میرداماد)، *شرح الصحیفه السجادیه* (عزالدین جزایری)، *ریاض السالکین* (سید علیخان شیرازی)، *الفرائد الطریفه* (محمد باقر مجلسی)، *ریاض العابدین* (بدیع الزمان قهپایی)، *ریاض العارفین* (محمد دارابی)، *نور الانوار* (نعمت‌الله جزایری)، *لوامع الانوار* (موسوی حسینی)، *شرح الصحیفه* (محمد شیرازی)، *فی ظلال الصحیفه* (محمد جواد مغنیه)، *فی رحاب الصحیفه* (عباس علی موسوی)، *شرح و ترجمه صحیفه سجادیه* (سید احمد فهری)، *شرح صحیفه سجادیه* (محمد علی مدرسی چهاردهی)، *دیار عاشقان* (حسین انصاریان)، *شهود و شناخت* (حسن ممدوحی کرمانشاهی). مجموعه این شرح‌ها و برخی شرح‌های دیگر اعم از شرح کامل یا شرح یک یا چند دعا در نرم افزار دانشنامه صحیفه سجادیه به همت مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان فراهم آمده است.

پنج: ذکر آیات قرآنی و روایات معصومان علیهم السلام متناظر با فراز دعا و استفاده از منابع تفسیری و حدیثی و حکمی و عرفانی و کلامی متناسب با موضوع و ارجاع به آنها و انتخاب روایات به گونه‌ای که حتی‌الامکان هر حدیث در بردارنده مطلبی جدا از حدیث دیگر و بیشتر در بردارنده مبنای فکری و راهکار کاربردی باشد.

شش: اهتمام به روشمند بودن بیان مطالب به این ترتیب که نخست فراز یا فرازهایی از دعا با ترجمه آن ذکر شده و سپس به طور عمده و در بیشتر موارد در چند سطر به مهم‌ترین مباحث آن اشاره گردیده و آن‌گاه شرح هر یک از آن مباحث در ساختاری منطقی با عنوان‌بندی مناسب و با بیانی روشن و روان با ارایه شرحی نسبتاً کامل و مفید و به دور از کم‌گویی و اختصارِ محلّ و یا زیاده‌گویی و انشاءنگاریِ مملّ که به ویژه امروزه خارج از حوصله خوانندگان است، آمده است.

هفت: ذکر برخی اشعار حکمت آمیز بزرگان و داستان‌های کوتاه که موجب تلطیف و اثرگذاری بیشتر و بهتر است.

بر این پایه، امید نگارنده بر این است که این شرح به لطف الهی خلأ شرحی جامع و مفید و روان را برای خاص و عام از جوانان و دانشجویان و طلاب و روحانیان و اساتید و معلمان و دیگر اقشار علاقه‌مند تا حدّ زیادی پر سازد و آنان را از سرچشمه زلال معارف صحیفه سجادیه بهره‌مند گرداند و با عنایت امام سجاد علیه السلام ذخیره‌ای برای فصل دی و بهمن او فراهم آورد:

ذخیره‌ای بنه از رنگ و بوی فصل بهار که می‌رسند ز پی رهنان بهمن و دی

در پایان از همه عزیزانی که در پیدایش و نگارش و نشر این اثر مددکار بوده‌اند، به ویژه مدیر محترم و دست اندرکاران موفق مؤسسه بوستان کتاب سپاسگزاری می‌کنم و با اذعان به ناسزاواری برای ورود در شرح کلام معصوم علیه‌السلام و اعتراف به تقصیرها و قصورها از خطر **لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ** (صف: ۲) به خدای مهربان پناه می‌برم و عذر تقصیر چنین عرضه می‌دارم:

گر ندارم از شکر جز نام بهر این بسی به زانکه اندر کام زهر!

انه ولی النعم

امیر شیرزاد